

فصل‌نامه تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان و ادب فارسی

دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بوشهر

شماره پیاپی: پانزدهم - بهار ۱۳۹۲

از صفحه ۴۷ تا ۵۸

بررسی آموزه‌های تعلیمی در ازدواج‌های سیاسی ایران*

کامران پشایی فخری^۱

استادیار زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تبریز - ایران

چکیده

زن در طول تاریخ ایران عمدتاً در کنار مرد و با عنوان همسر و مادر نقش ایفا کرده است و نداشتن شوهر نهایتاً با بی‌فرزندی و عقیم بودن و بی‌ارج بودن زن در جامعه برابر بوده است؛ از این رو مذاقه در ازدواج زنان و آموزه‌های تعلیمی مرتب بر آن امری ضروری محسوب می‌شود. اگرچه در برخی از دوره‌های تاریخی، خواست و اراده زن در انتخاب همسر محترم شمرده می‌شد اما اغلب ازدواج‌های مصلحتی بی‌اراده طرفین صورت می‌گرفت و زنان عموماً به مثابه کالا یا وجه‌المصالحه از قومی به قومی و از حرمسرای پادشاهی به شبستان سلطانی دیگر انتقال می‌یافتند و اغلب زندگی‌شان در همان قفس‌های طلایی خاتمه می‌یافت. در این مقاله سعی شده است با بررسی دلایل ازدواج‌های سیاسی و انواع آن، نمونه‌هایی از چنین وصلت‌هایی در طول تاریخ ایران و نگرش‌های تعلیمی آن در ادبیات فارسی مورد مذاقه قرار گیرد تا تبعات این چنین نگرشی برای جامعه انسانی بیش‌تر واکاوی شود.

واژه‌های کلیدی:

ازدواج سیاسی، ادبیات تعلیمی، ایران پیش از اسلام، ادبیات فارسی

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱/۱۵

* - تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۹/۳

^۱ - پست الکترونیکی: pashayikamran@yahoo.com

مقدمه

در طول تاریخ ایران شاهدیم که ازدواج‌ها غالباً بر اساس مصلحت دودمان و برای حفظ و ازدیاد مکتب خانواده صورت می‌گرفت. در این ازدواج‌های مصلحتی عشق و اراده زوجین عمدتاً نادیده گرفته می‌شود و این والدین یا شیوخ قوم هستند که نامزد فلان شاهزاده یا فئودالزاده را انتخاب می‌کنند بدون این که با او در این موضوع حیاتی مشورت نمایند. و همچنان که غلام و کنیز از بازار خریداری می‌شود، زن نیز مورد معامله قرار می‌گیرد. هنگام وفات مرد نیز همچون دارایی او به ارث می‌رسد...

در طی قرون زنان فراوانی وجه‌المصالحه‌ی سرزمینی، شهری، رودی و خانه‌ای و قساوتی شده‌اند چرا که عقد ازدواج از متداول‌ترین و راحت‌ترین و در عین حال مطمئن‌ترین راه‌های عقد معاهدات سیاسی بوده است.

از این ازدواج‌ها علاوه بر فرزند طلبی و جانشین خواهی، برای ایجاد ارتباط و اتحاد میان دو کشور یا دو قوم و قبیله یا استقرار سلطنت یا تعقیب هدف‌های خاص که گاهی با دسیسه و نیرنگ توأم بوده است، استفاده می‌کردند.

این‌گونه ازدواج‌ها مسلماً با زمینه‌چینی‌ها و تشریفات خاصی صورت می‌گرفت و امتناع کردن یکی از طرفین از قبول چنین پیشنهادهایی، به جنگ و خون‌ریزی منجر می‌شد. گاهی نیز زنانی که به دلایل مختلف برای برآوردن اهداف گوناگون بدون اراده و خواست قبلی به این نوع ازدواج‌ها تن درمی‌دادند و تمام عمر خود را در حرم‌سراها با انواع مشکلات و سختی‌های حاکم بر چنین جوامعی سپری می‌کردند به طور دسته جمعی کشته می‌شدند تا در جنگ به دست دشمنان نیفتند.

دخترانی که به ازدواج شاهان محکوم بودند، به تحمل انواع و اقسام سختی‌های این‌گونه ازدواج‌ها نیز محکوم می‌شدند و امنیت جسمانی، روانی و خانوادگی آنان پیشیزی ارزش نداشت.

ازدواج در ایران باستان

در تمام ادوار تاریخ، سنت ازدواج در ایران از شأن و مرتبه‌ای والا برخوردار بوده است و ایرانیان غیرتمند و متعصب آن را مقدس و مایه‌ی سعادت زن و مرد می‌دانستند و مجرد را ناستودنی و زشت تلقی می‌کردند. مهم‌ترین هدف از ازدواج در ایران باستان به دنیا آوردن فرزندان پاک به خصوص پسر می‌باشد تا از طریق نیروی بازوی او و شجاعت و دلاوری و قدرت بدنی و تدبیرش بتوانند در جنگ‌ها بهره جویند. «هرودت بزرگ‌ترین افتخار ایرانیان را علاوه بر دلاوری در جنگ‌ها، فزونی فرزندان دانسته است و رسم تعدد زوجین در بین ایرانیان را به خاطر به دست آوردن این دو افتخار می‌داند. در جوامع ایرانی، پدر و مادری دارای مجد و بزرگی بودند که پسرانی نیرومند و شجاع و خانواده‌ای گسترده و پر جمعیت داشته باشند.» (عبّاسی، ۱۳۸۳: ۹۸)

در ایران باستان تولد فرزند یکی از مهم‌ترین اهداف ازدواج بوده است تا جایی که بی‌اولاد بودن برای مردان ننگ به شمار می‌رفت و اعتقاد داشتند که مرد بی‌اولاد نمی‌تواند از پل صراط بگذرد، تا جایی که در صورت نازا بودن زن حتی حق طلاق زن را داشتند، همان‌گونه که اکنون نیز یکی از دلایل موجه و از شرایط بر هم زدن عقد و نکاح می‌باشد.

ازدواج سیاسی

بر اساس برخی مدارک و شواهد، تعدادی از پادشاهان ازدواج‌های سیاسی را ترتیب می‌داده‌اند مثلاً دختر یا خواهر خود را به همسری فرمان‌روایان و شاه‌زادگان ملل مجاور می‌فرستادند یا دختری را از مملکت مجاور یا متخاصم به عقد خود یا پسران و اقارب در می‌آوردند که در هر صورت هدف اصلی آنها برقراری پیوند دوستی میان ملت‌ها و حفظ مرزهای مشترک میان دولت‌ها و جلوگیری از بحران‌های سیاسی بین حکومت‌ها بوده است که به ازدواج سیاسی موسوم است.

مقاصد سیاسی ازدواج

«در میان شاهان و حکام و امرا، انگیزه‌های سیاسی برای ایجاد پیوند، مسلماً قوی‌ترین دلیل ازدواج با دختران حکام و پادشاهان سایر سرزمین‌ها بوده است. لذا زنان طبقه‌ی ممتاز که به دلیل ثروت و مکنت و موقعیت اجتماعی، زندگی مرفهی داشته‌اند، نهایتاً وجه‌المصالحه قرار گرفته‌اند و از قفس طلایی به قفس طلایی دیگری انتقال داده شده‌اند و کسی با آنان مشورت نمی‌کرد و به تمایل و علاقه‌شان وقعی نمی‌نهاد.» (حجازی، ۱۳۸۵: ۱۰۰)

تا جایی که هرودوت نیز در مورد ازدواج‌های دیپلماتیک، این‌گونه تذکر داده است: «بدون پیوندهای استوار خویشاوندی، توافقات معمولاً نه قوام دارند و نه دوام» (پیر رنان، ۱۳۸۱: ۳۸)

بدون تردید داماد شاه شدن، موقعیت اجتماعی فرد را بالا می‌برد. کسانی که داماد می‌شدند، ارتقای خانوادگی را مدیون شاه بودند و در واقع دادن دخترها یکی از عناصر قدرت شاه است. «داماد شاه شدن حق اکتسابی محسوب نمی‌شده و در زمره‌ی عطایای سلطنتی بوده است.» (همان: ۴۸۲)

هم‌چنین یکی از مبتکرانه‌ترین راه‌های استقرار در سرزمین‌ها، به وسیله‌ی ازدواج‌های سیاسی بوده است. فرمان اسکندر مبنی بر ازدواج ده هزار مقدونی و یونانی با زنان ایرانی و سایر ملل، شاهد و تأکیدی بر این نوع ازدواج‌ها می‌باشد.

اشکال ازدواج سیاسی

سودجویی و سیاست بازی مردان در استفاده از دختران و زنان به اندازه‌ای بود که در مسأله ازدواج و عقد خویشاوندی انواع خاصی پدید آورده بود که از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

۱. ازدواج درون‌گروهی
۲. ازدواج برون‌گروهی
۳. جایزه‌ی پیروزی

ازدواج درون‌گروهی

در آن نوع ازدواج که به نوعی امتیاز قبیله‌ای محسوب می‌شد پادشاه فقط حق ازدواج با دختران اشراف قبیله را داشت که بعدها به صورت ازدواج کفو به اوج خود یعنی ازدواج با محارم رسید. «کوروش با دختر فرناسپ Pharnaspes کاساندانه ازدواج کرد و کمبوجیه، دختر «اتانا» فدیمه را گرفت» (داماندایف، ۱۳۵۲: ۲۲۵)

از دیگر اشکال ازدواج‌های سیاسی درون‌گروهی می‌توان به ازدواج زنان با فاتحان ایرانی اشاره کرد. اگر حاکمی مغلوب می‌شد یا درمی‌گذشت زنان حرمسرای وی با حاکمان فاتح ازدواج می‌کردند. «آتوسا دختر کوروش پس از مرگ پدر به ترتیب به عقد ازدواج برادر خود کمبوجیه، بردیای دروغی و داریوش درآمد. مروئه دختر کوروش، بانوی کمبوجیه و داریوش اول بود. فدیمه نیز به ترتیب بانوی کمبوجیه، گئومات مغ (بردیای دروغی) و داریوش اول شد. آتوسا دختر اردشیر دوم که همسر پدر بود، بعد از او به ازدواج برادر خود اردشیر سوم درآمد.» (حجازی ۱۳۵۸: ۱۰۳)

ازدواج برون‌گروهی

از انواع ازدواج‌های سیاسی می‌توان به ازدواج‌های برون‌گروهی اشاره کرد که خود دلایل مختلفی داشته است. ازدواج زنان با فاتحان بیگانه یکی از این نوع وصلت‌ها می‌باشد. از جمله می‌توان به پیشنهاد صلح داریوش سوم در جنگ با اسکندر اشاره کرد که به قول حسن پیرنیا یکی از حقیرترین پیشنهادهای ازدواج مصلحتی در تاریخ عهد باستان است.

«داریوش پیشنهاد نمود که دختر خود را با سه هزار (یا سی هزار) تالان به اسکندر بدهد و چون اسکندر نپذیرفت، داریوش فهمید که جز جنگ چاره‌ای نیست». (پیرنیا: ۱۳۶۷: ۱۹۲)

پیوند کردن اسکندر با روشنگر دختر دارا در سپاهان

«جهان پادشاه را چنین است کام
که روشن شود روی چون عاج او
به روشن رخس چشم روشن کند
ز دارا چنین در پذیرفت عهد
به عصمت سرایی چنین نیکنام
شود روشنگر دره التاج او
بدان سرخ گل خانه گلشن کند
به مه بردن اینک فرستاد مهد»

(نظامی، ۱۳۸۶: ۲۲۸)

در مورد ازدواج روشنگر دختر دارا با اسکندر در شرفنامه‌ی نظامی به تفصیل آمده است که در این مورد مغایرت تاریخی مشاهده می‌شود. ظاهراً این ازدواج بدشگون نمی‌نماید زیرا حوادث مشخصی در پی آن اتفاق نمی‌افتد اما اگر در نظر آوریم که «مقدونی» بدین تمهید، خود را به عنوان پادشاه ایرانی به مردم این سرزمین غالب می‌کند و پس از وی جانشینانش سالیان دراز بر این مرز و بوم حکم می‌رانند، خواهیم پذیرفت که این ازدواج نیز مشمول قاعده کلی است. (سرامی، ۱۳۷۷: ۵۰۵)

از نمونه‌های دیگر چنین ازدواج‌هایی می‌توان به ازدواج آمیتیس *Amnites* برادرزاده‌ی اردشیر سوم با کراتروس اشاره کرد.

«آمتیس برادرزاده‌ی اردشیر سوم به فرمان اسکندر، عقد کرد و چون او را پس از فوت اسکندر طلاق داد، دیونیسوس *Dionysus* حاکم هراکلیه گرفت.» (مهرین، ۱۳۲۱: ۵۰۹)

ازدواج به عنوان جایزه‌ی پیروزی

گاهی نیز برای تشویق لشکریان، وعده‌های ازدواج به آنان داده می‌شد و دختران به عنوان جایزه‌ی پیروزی تعیین می‌شدند. چنان که در یادگار زیران کی گشتاسب هم وقتی سپاهیان به کین‌خواهی زیر تشویق می‌شوند به این مسأله اشاره شده است: «اما از شما آزادگان کسی است که رود و کین زیر خواهد تا بدو، آن همای که مرا دختر

است به زنی دهم که اندر همه‌ی ایرانشهر زن از او زیباتر نیست و خانمان زیر و سپهبدی ایران را بدو دهم؟» (بهار و مزدپور، ۱۳۷۵: ۲۷۰)

تعدد زوجات در میان مادها

به قول هرودت «در خانواده‌ی مادها پدر قدرت و اختیار تام داشت و تعدد زوجات بین آنها متداول بود.» (پرویز، ۱۳۸۹: ۱۱)

در میان مادها تعدد زوجات امری عادی بود و مرد بی زن مقام و منزلتی نداشت، ناز بودن برای زنان ننگی عظیم به شمار می‌رفت. مرد مالک زن بوده و روح و جسم وی را ملک خود می‌پنداشت و این تصور تا بدان جا رسیده بود که در جنگ‌ها برای این که زن به دست دشمنان نیفتد او را همچون ستوران می‌کشتند.

نمونه‌های ازدواج سیاسی در میان مادها

۱. ازدواج آستیائز (ایشتوویگو) در زمان پدر خویش (هووخ شتره) با دختر پادشاه لودیا. کامرون درباره‌ی این ازدواج می‌نویسد: «پس از شش سال جنگ بین هووخشتره و آلواتس و پس از دیدن کسوفی در سال ۵۸۵ قبل از میلاد و پا درمیانی نبونید -Nabu Naid فرمان‌روای بابل و سوئن نیسیس Syennesis پادشاه کیلیکیه Cilicia توافق کردند که رودخانه هالوس Halys (قزل ایرماق کنونی) مرز میان ماد و لودیا باشد و برای اطمینان از پایدار ماندن مرزی که تعیین گردید، آریه نیس Aryenis دختر آلواتس به همسری ایشتوویگو، داده شد.» (جرج کامرون، ۱۳۶۵: ۱۶۶)

۲. ازدواج ولیعهد بابل، بخت‌النصر Nabuchodonosor با آمی تیس Amytis، دختر خردسال ایشتوویگو، پسر هووخ شتره. «به گفته بروس، مورخ بابلی، نبوپلیر از آغاز امر و قبل از این که علیه آشور اقدام کند با کیاکسار^۱ عهدی بست و دختر او آمی تیدا Amaitida را برای پسر خود نبوکدنصر به زنی گرفت.» (دیاکونوف، ۱۳۴۵: ۲۷۶)

^۱ مهرداد بهار می‌گوید به جای کیاکسار باید هوخشتره نوشت. (از اسطوره تا تاریخ ۱۳۸۱: ۵۰۶)

ازدواج سیاسی در دوره اشکانیان

در این عصر نیز همانند سایر دوره‌های تاریخی، زنان عامل تحکیم روابط سیاسی بوده‌اند. از جمله این ازدواج‌ها که به منظور تحکیم روابط و استقرار سلطنت و جلب رضایت ملت‌ها صورت می‌گرفت می‌توان به ازدواج فرهاد چهارم با «موزا» کنیز ایتالیایی اشاره کرد.

«اوکتاویوس قیصر روم، چون عقیده به بسط روم نداشت از جنگ احتراز می‌کرد، لذا بنای دوستی با فرهاد چهارم را گذاشت و برای تحکیم روابط، یک کنیز ایتالیایی به نام "موزا" برای فرهاد فرستاد.» (آلفرد فن گوتشمید، ۱۳۵۶: ۱۷۶)

علاوه بر این ازدواج، ازدواج با محارم که نوعی ازدواج سیاسی درون گروهی به حساب می‌آید در این دوره مشهود است. در این مورد دیاکونوف می‌نویسد: «در سال دوم میلادی، فرآتک پنجم (فرهاد پنجم) با مادر خویش موزا عقد ازدواج بست.» (دیاکونوف، ۱۳۵۱: ۱۰۱)

ساسانیان و نمونه‌هایی از ازدواج سیاسی

در این دوره نیز هم چون دوره‌های قبل امرا و پادشاهان حاکمیت خود را با ازدواج‌های سیاسی مصلحتی استحکام می‌بخشیدند. در این ازدواج‌ها به علت تعقیب اهداف خاص، شرایط ازدواج‌های عادی معمولاً نبود و شاهان به کارها و اعتقادات همسر مصلحتی خود کاری نداشتند.

«نوشیروان همسر مسیحی اختیار کرد و او را آزاد گذاشت که به دیانت خود عمل کند. خسرو پرویز نیز دو همسر مسیحی داشت.» (زن تاریخی، ۱۳۸۵: ۱۹۸)

ازدواج پرویز با مریم دختر قیصر روم که در فرجام به مسموم شدن مریم به دست شیرین می‌انجامد در خسرو و شیرین نظامی به نحو زیبایی به تصویر کشیده شده است:

«چو قیصر دید کامد بر درش بخت بدو تسلیم کرد آن تاج با تخت
چنان در کیش عیسی شد بدو شاد که دخت خویش مریم را بدو داد
دو شه را در زفاف خسروانه فراوان شرط‌ها شد در میانه
حدیث آن عروس و شاه فرخ که اهل روم را چون داد پاسخ»

(نظامی، ۱۳۷۹: ۱۴۳)

«ازدواج پرویز با شیرین ارمنی که سر انجام آن خودکشی دردناک شیرین از جور ناپسری خویش شیروی در کنار پیکر بی‌جان شوی است.» (سرامی، ۱۳۷۷: ۵۰۵)

در مورد ازدواج خسرو پرویز با مریم دختر قیصر روم از شاه‌نامه فردوسی

«یکی دخترش بود مریم به نام خردمند و با رای و با سنگ و کام
بدادش به خسرو به آئین دین همی خواست از کردگار آفرین
بپذرفت دخترش گسته‌م گرد به آیین شاهان به خسرو سپرد
وز آن پس بیاورد چندان جهیز کز آن کند شد بارگی‌های تیز
ز زرینه و گوهر شاهوار ز یاقوت و از جامه‌ی زرنگار
ز گسترده‌ی‌ها و دیبای روم بر و پیکر سرو سیمیش بوم
گرت مملکت باید آراسته مده کار معظم به نوخاسته
چو آن خواسته کرد رومی شمار فزون بد ز سیصد هزاران هزار»

(فردوسی، جلد ۷، تلخیص از بیت ۱۵۷۱ تا ۱۵۸۶)

در این قسمت از شاه‌نامه فردوسی با استادی تمام، جهیز مریم را توصیف می‌کند و همین مورد خود شاهدی است بر این که علاوه بر این که این ازدواج باعث تحکیم روابط ما بین ایران و روم می‌شود باعث افزایش ثروت پادشاه ایران نیز می‌گردد.

تفاوتی که در زمینه‌ی ازدواج‌های سیاسی این دوره با سایر ادوار مشهود است عدم وصلت دختران و زنان ایرانی با مردان سایر کشورهاست.

«قوانین مملکت حافظ پاکی خون خاندان‌ها و حافظ اموال غیر منقول آنان بود. راجع به خاندان سلطنتی در فارس‌نامه که ظاهراً مأخوذ از آیین نامک عهد ساسانیان است، آمده

است که عادت ملوک فرس و اکاسره آن بودی کی از همه ملوک اطراف چون چین، روم و ترک و هند دختران ستندی و پیوند ساختندی و هرگز هیچ دختر بدیشان ندادندی. دختران را جز با کسانی که از اهل بیت ایشان بودند موصلت کردند.» (راوندی، ۱۳۵۶: ۶۲۷)

اگر چه در این دوره به عدم وصلت دختران ایرانی با غیر ایرانیان تأکید شده است، اما شرایط و دلایل حاکم بر ازدواج بر ازدواج مصلحتی، هر از چند گاهی باعث نقض آن می‌شد چنان که در مورد شاپور سوم نیز آمده است: «شاهپور سوم خواهر خود را به پادشاه مسیحی ارمنستان داد.» (مهرین، ۱۳۴۹: ۱۴۸)

هم‌چنین کریستین سن در کتاب ایران در زمان ساسانیان، از خوشبخت‌ترین و عاقبت به خیر ترین دختران خاندان ساسانی، شهربانو یکی از دختران یزدگرد را نام می‌برد که به عقد امام حسین (ع) درآمد.

نتیجه‌گیری

یکی از شگفتی‌های اقلیم ادب فارسی، چه قبل از اسلام و چه پس از آن، این است که تا کنون هزاران کتاب و مقاله در موضوعات مختلف مندرج در آثار شاعران و نویسندگان این مرز و بوم نوشته شده و هر یک به نوعی با شمع رخسار اندیشه‌ها عشق باخته‌اند ولی هم‌چنان چهره ادب فارسی با آموزه‌های تعلیمی که دارد، چون زوایای مختلف راه گنج، تا ابد ناگفته‌هایی پنهان کرده است.

در این مقاله با نگاهی تعلیمی و مو شکافانه به بحث «ازدواج‌های سیاسی در ایران» درمی‌یابیم که زنان، عامل تحکیم روابط سیاسی و قومی بوده‌اند. گاهی نیز برای تهییج و تشویق نظامیان از این قشر عموماً مظلوم با عنوان جایزه فتح استفاده می‌شد.

سودجویی و سیاست بازی مردان آن روزگار در استفاده از جنس مؤنث به اندازه‌ای بود که مسأله عقد خویشاوندی با انواع آن: «درون گروهی»، «برون گروهی» و «جایزه پیروزی» گره خورده بود که هر کدام با توجیهاتی اعمال می‌شد. ولی در عین حال این

سنت میمون در ایران باستان همیشه از شأن و مرتبه‌ای بالا برخوردار بوده است و تجرد، امری ناستودنی تلقی می‌گردید. یکی از عمده‌ترین اهداف ازدواج‌های پیش از اسلام در ایران، به دنیا آوردن فرزند پسر برای بهره‌مندی سیاست‌مداران در جنگ‌ها بود که این موضوع با روح انسانی و اهداف متعالی ازدواج در تعارض می‌نماید.

بر اساس مدارک و شواهد به دست آمده، حاکمان سرزمین‌ها برای ایجاد یا تعمیق پیوند دوستی میان ملت‌ها و حفظ مرزهای مشترک میان دولت‌ها و به منظور جلوگیری از بحران‌های سیاسی بین حکومت‌ها از زن، بهره‌ها برده‌اند ولی هر چه دیانت و کیاست حاکمان افزایش پیدا کرده، از اعمال این تفکر در جامعه انسانی کاسته شده است.

Archive of SID

منابع و مأخذ

- ۱- بهار، مهرداد - مزداپور، کتابون (۱۳۵۷)، پژوهشی در اساطیر ایران، کتابون مزداپور، تهران: آگه.
- ۲- بهار، مهرداد (۱۳۸۱)، از اسطوره تا تاریخ، تهران: چشمه.
- ۳- پرویز، عباس (۱۳۹۰)، سیر تاریخی و اجتماعی شاهنشاهی ایران، تهران: مرکز.
- ۴- پیرنیا، حسن (۱۳۸۹)، تاریخ ایران باستان، تهران: مهر.
- ۵- حجازی، بنفشه (۱۳۸۵)، زن و تاریخ (جایگاه زن در ایران باستان)، تهران: قصیده‌سرا.
- ۶- داماندایف، م.آ. (۱۳۵۲)، ایران در دوران نخستین پادشاهان هخامنشی، ترجمه روحی ارباب، تهران: بنگاه نشر کتاب.
- ۷- دیاکونوف، م.م. (۱۳۴۵)، تاریخ ماد، ترجمه کریم کشاورز، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۸- دیاکونوف، م.م. (۱۳۵۱)، اشکانیان، ترجمه کریم کشاورز، تهران: پیام.
- ۹- راوندی، مرتضی (۱۳۵۶)، تاریخ اجتماعی ایران، تهران: امیر کبیر.
- ۱۰- رنان، پیر (۱۳۸۱)، امپراطوری هخامنشی، ترجمه ناهید فروغان، تهران: قطره (و) فرزاد.
- ۱۱- سرآمی، قدمعلی (۱۳۷۷)، از رنگ گل تا رنج خار، تهران: علمی و فرهنگی.
- ۱۲- عباسی، محسن (۱۳۸۳)، شخصیت زنان در ایران باستان، تهران: فخرالدین.
- ۱۳- فردوسی، (۱۳۷۴)، شاه‌نامه، تصحیح ژول مول، تهران: علمی و فرهنگی.
- ۱۴- کامرون، جرج (۱۳۶۵)، ایران در سپیده‌دم تاریخ، ترجمه حسن انوشه، تهران: علمی و فرهنگی.
- ۱۵- گوتشمید، آلفردفن (۱۳۵۶)، تاریخ ایران و ممالک همجوار از زمان اسکندر تا انقراض اشکانیان، ترجمه کیکاوس جهاننداری، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۱۶- مهرین، عباس (۱۳۲۱)، ایران‌نامه یا کارنامه ایرانیان در عصر اشکانی، تهران: وزارت فرهنگ.
- ۱۷- مهرین، عباس (۱۳۴۹)، کشورداری و جامعه ایران در زمان ساسانیان، تهران: مهرین.
- ۱۸- نظامی (۱۳۷۹)، خسرو و شیرین، تصحیح وحید دستگردی، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی و حوزه هنری.
- ۱۹- نظامی گنجوی (۱۳۸۶)، شرف‌نامه، تصحیح بهروز ثروتیان، تهران: امیرکبیر.